

Identifying Obstacles of Agricultural sector development in Islamic countries

Morteza Akbarzadeh *
Mohammad Soleimani **

Received: 2016/09/26
Accepted: 2018/08/05

Islamic countries have been confronted with various obstacles in the agricultural sector. These obstacles challenge the development of agricultural sector of these countries. Though these countries have a large resource capacity and human potential, they have not had an appropriate situation in the agricultural product market. Using a survey method, in this article we show the main obstacle of agricultural sector development. So we design a questionnaire and distribute it among 284 professionals who study the agriculture sector in the Islamic countries. The result of Friedman test shows that the main obstacles are: industrial and technological underdevelopment of the sector, structural weakness in the agricultural business, R&D problem and lack of connection with global market. On the other hand, lack of skilled labor has the least importance in developing this sector.

Keywords: Islamic Countries, Agricultural Sector, Development Obstacles.
JEL: O13, Q19, Q10.

* Assistant Professor, Imam Ouzai University, dr.akbarzadeh42@gmail.com
** Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University,
(Corresponding Author), Solimani@isu.ac.ir

آسیب‌شناسی موانع توسعه بخش کشاورزی در کشورهای اسلامی

مرتضی اکبرزاده*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۴

محمد سلیمانی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۴

چکیده

کشورهای اسلامی در بخش کشاورزی خود با مشکلات و موانع متعددی روبرو هستند که توسعه این بخش را با چالش‌هایی روبرو کرده است. از این رو این کشورها علی‌رغم ظرفیت‌های بالقوه طبیعی و انسانی، نتوانسته‌اند به جایگاه قابل‌توجهی در بازار محصولات کشاورزی جهان دست یابند. این مقاله با استفاده از روش پیمایشی، به دنبال شناسایی اصلی‌ترین موانع توسعه بخش کشاورزی در کشورهای اسلامی می‌باشد و در این راه پس از شناسایی موانع مطرح شده در ادبیات موضوع، پرسشنامه طراحی شده و در میان ۲۸۴ نفر از صاحب‌نظران حوزه کشاورزی در کشورهای اسلامی توزیع گردید. نتایج حاصل از به‌کارگیری آزمون فریدمن حاکی از آن است که از بین موانع توسعه اقتصادی بخش کشاورزی، عقب‌ماندگی صنعتی و فناورانه، ضعف‌های ساختاری کسب‌وکارهای فعال در حوزه کشاورزی، مشکلات تحقیق و توسعه و بومی‌سازی دانش کشاورزی و عدم ورود به بازار جهانی دارای بیشترین اهمیت می‌باشد و کمبود نیروی انسانی ماهر در بخش کشاورزی کمترین تأثیر را بر توسعه اقتصادی کشاورزی داشته است.

واژگان کلیدی: کشورهای اسلامی، بخش کشاورزی، موانع توسعه.

طبقه‌بندی JEL: O13, Q19, Q10

* استادیار دانشگاه امام اوزاعی لبنان،
dr.akbarzadeh42@gmail.com

** استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)، (نویسنده مسئول)
solimani@isu.ac.ir

مقدمه

کشاورزی و صنایع وابسته به آن، در زمره یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌های اقتصادی انسان در جهان است که از نظرگاه بررسی تاریخی، نقشی بنیادین در زندگی بشر داشته و بزرگ‌ترین وسیله و زمینه پیشرفت انسان و جامعه بشری بوده است (ابوالنصر، ۱۹۶۰ و الیورسن^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). از سوی دیگر طبق دسته‌بندی‌های رایج بین‌المللی، تقریباً تمامی کشورهای اسلامی در زمره اقتصادهای در حال توسعه قرار می‌گیرند و از سوی دیگر بررسی‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه، متکی بر بخش کشاورزی است (ایچرو استاترد^۲، ۱۹۹۹) و تولیدات کشاورزی، عمده‌ترین محصولات کشورهای در حال توسعه است (گالبرایت^۳، ۲۰۱۲). از این رو می‌توان چنین برداشت نمود که توسعه بخش کشاورزی در رشد و توسعه کشورهای در حال توسعه نقش اساسی ایفا می‌کند و از منظر ارتقای استانداردهای زندگی می‌تواند به شدت زندگی بخش بزرگی از مردم و به‌طور خاص روستائیان را بهبود بخشد. با توجه به این امر این سؤال مطرح می‌شود که چرا کشورهای مسلمان نتوانسته‌اند مزیت‌های خود در بخش کشاورزی را شکوفا کنند و از منظر اقتصادی در جایگاه بایسته‌ای قرار گیرند.

از سوی دیگر باید توجه داشت که جهان امروز به دلیل مواجهه با بحران‌های آب (خشکسالی) یا منابع دیگر و مسائل و معضلات مربوط به محیط‌زیست در بهره‌برداری از منابع طبیعی، به استفاده از تکنولوژی‌های دوست‌دار محیط زیست روی آورده است (نورتون^۴ و همکاران، ۲۰۱۴). به علاوه تولید در مقیاس وسیع، و استفاده از کودها و بذره‌های پربازده موجب شده بهره‌وری بخش کشاورزی بهبود چشم‌گیری داشته باشد.

هر چند ژئولوژی زمین‌های جهان اسلام حاکی از آن است که آب‌های زمینی و زیرزمینی فراوانی در مناطق گسترده‌ای از جهان اسلام وجود دارد (منیمه، ۱۴۳۱، ص ۵۶) اما این مناطق در تولید محصولات کشاورزی جایگاه مناسبی ندارد. اقتصاد کشاورزی مسلمانان در دوره‌های مختلف تاریخی مانند روزگار پیامبر اسلام، دوره‌های خلافت اسلامی از جمله حاکمیت امویان، حکومت مسلمانان در اندلس، روزگار عباسیان و پس از آن توسعه چشمگیری داشته است (برای مشاهده دست‌آوردهای مسلمانان در حوزه کشاورزی نگاه کنید به عبداللطیف، ۱۹۸۵). هم‌اکنون نیز بخش

کشاورزی در میان بخش‌های اقتصاد ملی و محلی، بیشترین فعالیت اقتصادی بسیاری از کشورهای اسلامی را تشکیل می‌دهد (عبدالفتاح، ۱۴۲۱). اما با این وجود اقتصاد کشاورزی این کشورها در روزگار معاصر با مشکلات و موانع جدی روبه‌روست که از سرعت توسعه آن می‌کاهد (عبدالسلام، ۱۹۹۸). هم‌اینک هیچ‌یک از کشورهای اسلامی برای تهیه مواد غذایی، خودکفا نیستند، و حتی اگر از نظر اقتصادی هم به رشدهایی برسند، در خوش‌بینانه‌ترین حالت می‌توانند به یک خودکفایی نسبی در حوزه محصولات کشاورزی دست یابند (دسوقی کسبه، ۱۴۲۱).

بخش کشاورزی در جهان اسلام به دلایل گوناگون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بین ۲۰ تا ۵۷ درصد کل تولیدات داخلی این کشورها از بخش کشاورزی به دست می‌آید؛ البته این نسبت در کشورهای گوناگون از تفاوت فاحشی برخوردار است؛ مثلاً در بنگلادش سهم بخش کشاورزی ۴۸ درصد از کل تولیدات بوده و در امارات عربی متحده و کویت، تنها یک درصد است. با این حال، چون کشورهای اسلامی به درستی از ظرفیت‌های خود بهره‌برداری نمی‌کنند، به بحران‌های غذایی و واردات بی‌رویه کالاهای کشاورزی گرفتار شده‌اند (عقلاء، ۲۰۰۰). از سوی دیگر کشاورزی، شغل اصلی نزدیک به ۵۰ درصد مردم کشورهای اسلامی است و با توجه به کمبود مواد غذایی در کشورهای اسلامی که در مواردی به بحران‌های غذایی نیز منجر شده است؛ تولیدات کشاورزی می‌تواند نقش مهمی در تجارت بین‌الملل کشورهای اسلامی داشته باشد.

کشورهای اسلامی از مجموعه بزرگی از امکانات کشاورزی مانند زمین، آب و حیوانات برخوردار هستند که بسیاری از آن‌ها بلااستفاده مانده‌است (عمر، ۱۴۲۱). باید توجه داشت که حجم بسیار بزرگی از زمین و آب و جمعیت و ثروت حیوانی جهان در کشورهای اسلامی جای دارد. بر پایه برآورد کارشناسان حوزه اقتصاد کشاورزی، نزدیک به یک پنجم امکانات جهان در جهان اسلام واقع شده است (عبدالفتاح، ۱۴۲۱). کشاورزی در هریک از کشورهای اسلامی، سبک و روش ویژه‌ای دارد، و البته کشورهای اسلامی از اندونزی که در شرقی‌ترین نقطه تا نیجریه در غربی‌ترین نقطه جغرافیای جهان اسلام، سه چهارم انرژی و دست‌کم دو برابر نیاز کل ساکنان جهان از امکانات کشاورزی را در اختیار دارند [در صورت به‌کارگیری تکنولوژی‌های روز دنیا]. کشوری

چون سودان به تنهایی قادر به تأمین نان کل آفریقا و بخش قابل توجهی از قاره آسیاست (والی، ۱۴۲۱)؛ اما در عمل می‌بینیم که از این پتانسیل‌ها به خوبی بهره‌برداری نمی‌شود. این تحقیق پاسخی اکتشافی به یک سؤال اصلی در حوزه چرایی عدم توسعه بخش کشاورزی در کشورهای اسلامی است و در این راه با استفاده از نظرات صاحب‌نظران کشورهای اسلامی در حوزه اقتصاد کشاورزی مهم‌ترین عوامل شناسایی می‌شود؛ از این رو در ادامه مقاله، ابتدا به مطالعاتی که در این حوزه انجام شده است، می‌پردازیم؛ در بخش سوم روش مورد استفاده برای بررسی آسیب‌شناسی موانع توسعه بخش کشاورزی در کشورهای اسلامی تشریح می‌شود؛ بخش چهارم یافته‌های پژوهش را ارائه می‌کند و بخش پنجم نیز به جمع‌بندی یافته‌ها می‌پردازد.

۱. مرور مطالعات پیشین

با بررسی مطالعات صورت گرفته در حوزه توسعه بخش کشاورزی می‌توان موارد زیر را به عنوان اصلی‌ترین موانع برشمرد. لازم به ذکر است که از دست‌آورهای این بخش از پژوهش برای طراحی پرسشنامه استفاده شده است.

- کوچک بودن قطعات زمین: علاوه بر صبغه تاریخی، بسیاری از زمین‌ها به سبب قانون ارث، در طول زمان تقطیع شده‌اند و این امر موجب از بین رفتن صرفه‌های ناشی از مقیاس شده است (کوران^۵، ۲۰۰۵، ص ۴۱۹). علاوه بر این پژوهش‌ها نشان می‌دهد در برخی مناطق کشورهای اسلامی، کیفیت خاک برای کشاورزی مناسب نیست.

- کمبود آب یا عدم توازن بارش‌ها: برخورداری از آب به معنی رونق کشاورزی و شکوفایی و گسترش کشاورزی است. بررسی وضعیت آب و هوایی کشورهای جهان اسلام حاکی از آن است که عموماً از کمبود بارندگی رنج می‌برند (میمنه، ۱۴۳۱، ص ۵۶؛ عمر، ۱۴۲۱، برای ایران نگاه کنید به: کشاورز و دهقانی، ۱۳۹۱) و در بسیاری از مناطقی هم که از بارندگی برخوردارند، وضعیت چنان است که بارندگی موجب روان شدن سیلاب‌های بنیان‌افکن می‌شود که عملاً کشاورزی را غیرممکن می‌سازد (رولاند، ۱۳۹۶).

- ضعف‌های ساختاری کسب‌وکارهای فعال در حوزه کشاورزی: اساساً در کشورهای در حال توسعه شرکت‌ها و بنگاه‌های تولیدی از ضعف‌های ساختاری

متعددی برخوردارند این آسیب‌ها روحیه کارآفرینی را محدود کرده و انگیزه‌های توسعه‌ای هم در قالب گسترش سطح فعالیت و هم در قالب جذب نوآوری‌های جدید را محدود می‌کند (ویلسون^۱، ۲۰۱۲). اساساً بسیاری از کسب‌وکارهای کشاورزی در کشورهای در حال توسعه شامل کشورهای اسلامی به صورت خانوادگی و با انگیزه تأمین معاش (حداقلی) خانواده صورت می‌گیرد و این نوع ترتیبات کسب‌وکار هم قدرت چانه‌زنی کشاورزان را محدود می‌کند و هم زمینه کشت در مقیاس وسیع را محدود می‌کند (بینزونگر، دینینگر و فدر^۷، ۱۹۹۳ و بانرجی، گرتلر و گاتاک^۸، ۲۰۰۲).

- رشد جمعیت و نبود توازن میان جمعیت و زمین زراعی: به دلیل جمعیت بالای کشورهای اسلامی، سهم هر فرد از مساحت زمین زراعی به نسبت تعداد جمعیت ساکن بر آن پایین است. از سوی دیگر در این کشورها اصلاحات جدید روی زمین‌ها صورت نگرفته است (عمر، ۱۴۲۱). پیشوایی (۱۳۸۸) نیز نشان می‌دهد که تولیدات کشاورزی کشورهای اسلامی طی سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۵ همراه با افزایش جمعیت رشد نداشته است. به گونه‌ای که سهم هر نفر از مجموع تولیدات، از ۱۱۴/۲ واحد در سال ۱۹۶۵ به ۹۸/۴ واحد در سال ۱۹۹۵ کاهش یافته است. از سوی دیگر این کاهش تولید با کاهش تعداد کشاورزان به کمتر از نصف همراه بوده است. پیشوایی علت کاهش تعداد کشاورزان را مهاجرت روستاییان به شهرها، بی‌توجهی به بخش روستایی و عدم سیاست‌گذاری مناسب برای ارتقا سطح زندگی روستاییان، عدم توجه به فن‌آوری‌های کشاورزی و فقدان پیشرفت عملی و بالاخره عدم توجه به سرمایه‌های انسانی در این زمینه عنوان کرده است.

از سوی دیگر در حال حاضر رشد جهانی جمعیت سالانه ۱/۶٪ است که در کشورهای پیشرفته بسیار پایین (۰/۳٪) و در کشورهای در حال توسعه بسیار بالا (۲٪) می‌باشد؛ رشد جمعیت به‌طور خاص در مناطق روستایی می‌تواند هزینه‌های افزایش بهره‌وری را بالا برده و سرانه زمین هر فرد را کاهش می‌دهد و لذا مانعی برای توسعه بخش کشاورزی تلقی شود (دسوقی، کسبه، ۱۴۲۱؛ عبدالفتاح، ۱۴۲۱).

- کمبود نیرو کار ماهر: با توجه به وجود ضعف جدی در نظام آموزشی کشورهای اسلامی، بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، مهارت کاربردی خاصی ندارند (منفیخی،

۱۴۲۷) از سوی دیگر سیستم یادگیری در حین کار^۹ نیز موجب تداوم دانش سنتی شده و عملاً محرک بهره‌وری بیشتر نخواهد بود. از این رو می‌توان فقدان یا کمبود دانش در مورد تکنولوژی‌های کاشت، داشت، برداشت و نیز بسته‌بندی و بازاریابی را از جمله موانع توسعه کشاورزی دانست (دادرس مقدم و زیبایی، ۱۳۸۷).

- عقب‌ماندگی صنعتی و فناورانه: در بسیاری از مناطق روش‌ها، تکنیک‌ها و ابزارهای فناورانه جدید کشاورزی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد؛ تولید بر پایه سنت‌های بومی گذشته و بیشتر برای تأمین نیازهای روزانه داخلی صورت می‌پذیرد و افق‌های افزایش تولید و صادرات آن کمتر ملاحظه می‌شود (محمد ایسام^{۱۰}، ۲۰۱۲). هر چند علل متعددی برای عدم استفاده از فناوری‌های نوین وجود دارد اما به هر حال این کشورها نتوانسته‌اند در زمینه روش‌های تولید و ابزارهای در صدر کشورهای پیشرفته قرار بگیرند (نعیمی و پزشکی راد، ۱۳۹۰). مولت (۱۹۸۶) نیز عدم تنوع‌بخشی محصولات متناسب با محیط زیست و تکنولوژی‌های موجود را یکی از موانع توسعه بخش کشاورزی در این کشورها بیان کرده است.

- عدم ورود به بازارهای جهانی: ناتوانی در بازاریابی تجاری محصولات کشاورزی یکی از ضعف‌های اساسی کشورهای در حال توسعه در حوزه کشاورزی است (مقدسی و علیشاهی، ۱۳۸۶). تجارت با سایر کشورها موجب می‌شود که مزیت‌های نسبی در حوزه صادرات شکوفا شده و زمینه تولید بیشتر محصولات کشاورزی فراهم شود (نوری، ۱۳۸۶). از سوی دیگر حاکم بودن شرایط رقابت آزاد در فضای جهانی موجب می‌شود که صنایع در یک فرآیند توأم با یادگیری، کارایی و بهره‌وری خود را افزایش داده و امکان تداوم حضور در بازارهای جهانی را بیابند (نورتن و همکاران، ۲۰۱۴).

- کمبود صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی: صنایع فرآوری می‌تواند با ایجاد ارزش افزوده در تولیدات کشاورزی زمینه را برای توسعه کشاورزی فراهم کند (کلاتتری، رهنما و موحدی، ۱۳۸۹). فقدان صنایع تبدیلی و تکمیلی، انگیزه توسعه کشاورزی و دامداری را محدود می‌کند؛ به ویژه در شرایطی که محصولات فسادپذیر باشند (الجبوبی^{۱۱}، ۲۰۱۴).

- ضعف در تحقیق و توسعه: اساساً کشورهای اسلامی سرمایه‌گذاری چندانی در

حوزه‌های تحقیق و توسعه کشاورزی نداشته‌اند و از این رو نتوانسته‌اند برای بومی‌سازی روش‌های مدرن کشت اقدام کنند. البته لازم به ذکر است که این کشورها روش‌های بومی خاص خود را دارند که در مقایسه با روش‌های مدرن بازدهی کمتری را نتیجه می‌دهد و در استفاده از روش‌های مدرن نیز بنا به دلایلی ناموفق بوده‌اند. مشکلات پژوهش در کشورهای اسلامی، کمبود گزارش‌های آماری، یا گونه‌گونی شیوه‌های آماری در میان یک دولت یا میان دولت‌های مختلف (منیمنه، ۱۴۳۱) موجب شده که این کشورها حتی در رصد وضعیت موجود با مشکلات متعددی روبرو شوند و عملاً امکان انجام تحقیقات توسعه‌ای دقیق را نداشته باشند.

- مشکلات و آسیب‌های زیست محیطی: عدم توجه به اثرات جانبی تولید بر محیط زیست در دهه‌های گذشته به نحو ملموسی موجب شده است که کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای اسلامی، با بحران‌های محیط زیستی متعددی روبرو شوند. از سوی دیگر استفاده ناصحیح از کودها و مواد شیمیایی و نیز برداشت‌های بی‌رویه، ضمن تخریب خاک موجب محدود شدن پتانسیل‌های کشاورزی این کشورها شده است (عبدالفتاح، ۱۴۲۱). از این رو می‌توان آسیب‌های زیست محیطی به وجود آمده و نیز آسیب‌های احتمالی آتی را یکی از موانع توسعه بخش کشاورزی در این کشورها دانست.

- تغییرات فرهنگی در محیط‌های روستایی: به سبب تغییرات سبک زندگی و نیز شیوع فرهنگ مصرف‌گرایی در میان جوامع، به ویژه جوامعی که درآمدهای رانتی فراوانی دارند، فرهنگ تولیدی روستاها تخریب شده و در عمل از حالت تولیدی به جامعه مصرفی تبدیل شده است؛ این امر می‌تواند زمینه‌ساز رکود تولیدات روستایی باشد (برای مطالعه بیشتر رک به هانت، ۱۳۹۲ فصل پارادایم واپستگی).

- همکاری اندک میان دولت‌های اسلامی در حوزه کشاورزی: محمد بابلی (۱۹۷۵) با نگارش کتاب «السوق الاسلامیة المشتركة» ضمن بررسی زمینه‌های بازار مشترک کشورهای مسلمان، مشترکات طبیعی و اقلیم‌های جغرافیایی مستعد را به عنوان مهم‌ترین زمینه توسعه کشاورزی در این کشورها معرفی کرده است (بابلی، ۱۹۷۵؛ عقلاء، ۲۰۰۰). بازار کشورهای اسلامی می‌تواند زمینه مناسب برای تولید محصولات

کشاورزی را فراهم کند، اما به سبب محدود بودن تجارت فیما بین، این بازار تحت الشعاع قرار گرفته است. پتانسیل تجاری کشور ایران و یکپارچگی اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تجارت محصولات کشاورزی بالا است و به راحتی امکان افزایش حجم جریانات تجاری دو و چندجانبه کشاورزی میان آنها وجود دارد (کریمی، ۱۳۸۶). برخی مطالعات نیز نشان می‌دهد که عقد موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای و اتکا به محصولاتی که از مزیت نسبی برخوردار بوده و ظرفیت‌های صادراتی بالایی دارند، گامی مؤثر در حرکت به سمت ایجاد بازار مشترک اسلامی در حوزه کشاورزی می‌باشد (رضایی، چیدری و مرتضوی، ۱۳۸۹)؛ علی‌رغم وجود چنین ظرفیت‌هایی، توجه کافی به این بخش نشده است.

- سیطره استعمارگونه شرکت‌های چندملیتی بر بازارهای کشاورزی: برخی صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که اقدامات و برنامه‌های کارتل‌ها و تراست‌های فعال در حوزه کشاورزی در کنار سیاست‌های برخی از کشورهای توسعه یافته، زمینه عقب‌افتادگی بخش کشاورزی کشورهای اسلامی را فراهم کرده است (به‌عنوان مثال نگاه کنید به: عبدالفتاح، ۱۴۲۱).

در این پژوهش بر آنیم تا با تکیه بر موانع شناسایی شده در مطالعات پیشین، اقدام به رتبه‌بندی موانع نماییم و لذا می‌توان نوآوری و وجه تمایز این مقاله با مقالات و پژوهش‌های پیشین را در شناسایی مهم‌ترین موانع توسعه بخش کشاورزی دانست.

۲. روش‌شناسی

روش تحقیق حاضر آمیخته کمی و کیفی است به این صورت که به‌طور تحلیلی مبانی نظری مورد مطالعه قرار گرفته سپس اقدام به ساخت پرسشنامه و توزیع میان نخبگان کشاورزی در جهان اسلام شده است. قلمرو تحقیق حاضر، کشورهای جهان اسلام (عضو سازمان کنفرانس اسلامی) می‌باشد. مساحت کشورهای اسلامی ۳۷.۹ میلیون کیلومتر مربع است که برابر با ۲۵٪ کل خشکی‌های کره زمین یا تقریباً سه برابر مساحت قاره اروپاست (منیمه، ۱۴۳۱). اغلب کشورهای اسلامی در دو قاره آسیا و آفریقا واقع شده‌اند.

به‌طور خلاصه در این تحقیق ابتدا پرسش‌نامه‌ای طراحی شد. پس از طراحی پرسش‌نامه مرحله پیش‌آزمون پرسش‌نامه‌ها، با ۲۸ صاحب‌نظر انجام شد؛ در این مرحله پرسش‌شوندگان ترغیب شدند تا نکات مبهم پرسش‌نامه، سوءتعبیرها و موضع‌گیری‌های پرسش‌شوندگان را شناسایی کنند. متناسب با نکات مطرح شده، تغییرات لازم در پرسش‌نامه انجام شد. سپس پرسش‌نامه در میان افراد نمونه انتخاب شده توزیع شد. در این تحقیق به دلیل وسعت قلمرو تحقیق از نمونه‌گیری تصافی خوشه‌ای استفاده شده است. تعداد نمونه از میان جامعه آماری، با توجه به فرمول N برابر با ۲۸۴ نفر از اساتیدی که در رشته اقتصاد، کشاورزی، جغرافیا، اقتصاد خانواده و اقتصاد کشاورزی صاحب‌نظر بودند تعیین شد و پرسشنامه‌ها در میان نمونه توزیع شد. پرسشنامه دارای ۴۰ سؤال پنج‌گزینه‌ای و از نوع طیف لیکرت بود.

در ادامه داده‌های مستخرج از پرسشنامه‌ها مورد تحلیل قرار گرفت و متناسب با نوع سؤالات، هر یک از سؤالات در ذیل ۱۴ مانع اصلی توسعه بخش کشاورزی طبقه‌بندی شد. برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی صوری و نظر نخبگان و صاحب‌نظران استفاده شد و برای بررسی پایایی موانع اصلی در پیمایش حاضر، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. جدول زیر موانع اصلی و نیز مقادیر این ضریب برای شاخص‌های ۱۴گانه را نشان می‌دهد:

جدول (۱) - بررسی پایایی مولفه‌ها با استفاده از ضریب کرونباخ

ردیف	شاخص	ضریب آلفا	ردیف	شاخص	ضریب آلفا
۱	ضعف‌های ساختاری کسب‌وکارهای فعال در حوزه کشاورزی	۰/۷۶۸	۸	همکاری اندک دولت‌های اسلامی در بخش کشاورزی	۰/۷۰۴
۲	عقب‌ماندگی صنعتی و فناورانه	۰/۷۲۹	۹	کمبود نیروی انسانی ماهر در بخش کشاورزی	۰/۷۱۱
۳	موانع تجاری (صادرات و واردات محصول)	۰/۶۹۶	۱۰	وضعیت زمین‌های کشاورزی (کیفیت و اندازه)	۰/۶۰۱
۴	رشد جمعیت	۰/۷۰۱	۱۱	مشکلات علمی و روش‌های کشاورزی	۰/۷۱۵
۵	عدم ورود به بازار جهانی	۰/۷۳۱	۱۲	مشکلات و خطرهای زیست محیطی	۰/۷۱۳
۶	سیطره استعمارگونه شرکت‌های چند ملیتی بر بازارهای کشاورزی	۰/۷۳۵	۱۳	وضعیت آب و هوا	۰/۷۸۴
۷	تغییرات فرهنگی	۰/۷۲۳	۱۴	کمبود صنایع کشاورزی	۰/۷۸۱

منبع: محاسبات تحقیق

با بررسی ضریب آلفای کرنباخ برای شاخص‌های فوق مشخص می‌شود که در صورت حذف هر یک از سؤالات، پایایی موانع شناسایی شده کاهش می‌یابد و لذا شاخص‌های طراحی شده قابل اطمینان هستند.

در این پژوهش برای تجزیه تحلیل داده‌های گردآوری شده از طریق پرسشنامه، از آزمون‌های t تک نمونه‌ای و فریدمن استفاده شده است. در داده‌های کمی، برای آزمون این فرضیه که آیا میانگین یک نمونه (\bar{x}) با میانگین جامعه (μ) - که فرض بر این است دارای توزیع نرمال باشد، یکسان است، از آزمون تک نمونه‌ای t استفاده می‌شود. فرض‌های صفر و یک به صورت زیر مطرح‌اند:

$$\begin{cases} H_0: \mu = \bar{x} \\ H_1: \mu \neq \bar{x} \end{cases}$$

در این آزمون از شاخصی موسوم به t که به صورت زیر پیشنهاد شده است، استفاده می‌شود:

$$t = \frac{\bar{x} - \mu_0}{s / \sqrt{n}} \quad \text{رابطه (۱)}$$

ویژگی اساسی توزیع t آن است که اگر تعداد نمونه‌ها از ۳۰ بیشتر باشد، با توزیع نرمال مطابقت پیدا می‌کند.

آزمون فریدمن^{۱۲} نیز یک آزمون ناپارامتری، مشابه آنالیز واریانس با اندازه‌های تکراری (درون‌گروهی) است که از آن برای مقایسه میانگین رتبه‌ها در بین k متغیر (گروه) استفاده می‌شود. در آزمون فریدمن هر یک از نمونه‌ها امتیازی را به چند گروه (شیء یا فرد یا...) اختصاص می‌دهند. فرضیه صفر (H_0) در این آزمون بیان می‌کند که توزیع مشاهدات در سنجش‌های تکرار شده یکسان هستند؛ یا به عبارت دیگر میان توزیع‌های ایجاد شده در اثر سنجش‌های مکرر روی یک گروه و یا بین گروه‌های همتا در زمینه متغیر وابسته تفاوتی وجود ندارد. رد شدن فرض صفر به این معنی است که در بین گروه‌ها حداقل دو گروه با هم اختلاف معناداری دارند (میرزایی، ۱۳۸۸). در این پژوهش برای انجام این دو تحلیل از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

۳. یافته‌های پژوهش

با توجه به نظرات حاصل از پرسشنامه می‌توان مشاهده نمود که از دیدگاه صاحب‌نظران اصلی‌ترین موانع توسعه اقتصاد کشاورزی در جهان اسلام به ترتیب عقب‌ماندگی صنعتی و فناورانه (با میانگین ۴.۲۹)، ضعف‌های ساختاری کسب‌وکارهای فعال در حوزه کشاورزی (۴.۰۹)، عدم ورود به بازار جهانی (۳.۹۱) و ضعف در تحقیق و توسعه و بومی‌سازی (۳.۸۷) بوده است. جدول شماره (۲) خلاصه‌ای از نتایج تحلیل پرسشنامه‌ها را ارائه می‌کند. لازم به ذکر است که موانع به ترتیب اهمیت (بالا‌ترین میانگین) ارائه شده است:

جدول (۲) موانع توسعه بخش کشاورزی از منظر نمونه آماری

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد پاسخگویان	موانع توسعه اقتصادی در کشاورزی
۰.۹۳۴	۴.۲۹	۲۸۴	عقب‌ماندگی صنعتی و فناورانه
۰.۵۷۵	۴.۰۹	۲۸۴	ضعف‌های ساختاری کسب‌وکارهای فعال در حوزه کشاورزی
۰.۲۸۸	۳.۹۱	۲۸۴	عدم ورود به بازار جهانی
۰.۴۲	۳.۸۷	۲۸۴	ضعف در تحقیق و توسعه و بومی‌سازی
۰.۵۱	۳.۸۶	۲۸۴	همکاری اندک دولت‌های اسلامی در بخش کشاورزی
۰.۴۳۸	۳.۸۴	۲۸۴	وضعیت زمین‌های کشاورزی (کیفیت و اندازه)
۰.۹۵۹	۳.۷۷	۲۸۴	موانع تجاری (صادرات و واردات محصول)
۰.۵۴۵	۳.۵۲	۲۸۴	رشد جمعیت
۰.۴۴۹	۳.۵۱	۲۸۴	کمبود صنایع کشاورزی
۰.۵۷۹	۳.۳۶	۲۸۴	مشکلات و خطرهای زیست‌محیطی
۰.۵۹۳	۳.۳۴	۲۸۴	تغییرات فرهنگی
۰.۵۸۱	۳.۳۴	۲۸۴	وضعیت آب و هوا
۰.۶۲۵	۳.۲۵	۲۸۴	سیطره استعمارگونه شرکت‌های چندملیتی بر بازارهای کشاورزی
۰.۶۶۳	۳.۲۳	۲۸۴	کمبود نیروی انسانی ماهر در بخش کشاورزی

منبع: یافته‌های پژوهش (تحلیل داده‌های پرسشنامه)

نتایج جدول ذیل حاکی از آن است که با استفاده از آزمون t تک‌متغیره فرض صفر

رد نمی‌شود و همه عوامل در سطح آلفای ۵ درصد معنادار هستند. لذا می‌توان بیان کرد که از نظر کل جامعه آماری همه این موارد به عنوان موانع توسعه بخش کشاورزی کشورهای اسلامی تلقی می‌شود.

جدول (۳) - تحلیل t تک متغیره برای موانع در توسعه اقتصاد کشاورزی در جهان اسلامی در گروه نمونه (با نمره برش یا معیار ۳)

متغیر	t	سطح معناداری	متغیر	t	سطح معناداری
ضعف‌های ساختاری کسب‌وکارهای فعال در حوزه کشاورزی	۳۱.۹۸	۰.۰۰	همکاری اندک دولت‌های اسلامی در بخش کشاورزی	۲۸.۷۲	۰.۰۰
عقب‌ماندگی صنعتی و فناورانه	۲۳.۴۱	۰.۰۰	کمبود نیروی انسانی ماهر در بخش کشاورزی	۶.۰۸	۰.۰۰
موانع تجاری (صادرات و واردات محصول)	۱۳.۶۵	۰.۰۰	وضعیت زمین‌های کشاورزی (کیفیت و اندازه)	۳۲.۲۷	۰.۰۰
رشد جمعیت	۱۶.۲۸	۰.۰۰	مشکلات علمی و روش‌های کشاورزی	۳۵.۲۴	۰.۰۰
عدم ورود به بازار جهانی	۵۳.۱۳	۰.۰۰	مشکلات و خطرهای زیست محیطی	۱۰.۵۵	۰.۰۰
سیطره استعمارگونه شرکت‌های چند ملیتی بر بازارهای کشاورزی	۶.۷۱	۰.۰۰	وضعیت آب و هوا	۹.۹۴	۰.۰۰
تغییرات فرهنگی	۹.۸۵	۰.۰۰	کمبود صنایع کشاورزی	۱۹.۴۳	۰.۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش (خروجی آزمون t در نرم‌افزار spss)

همان‌طور که در بخش روش پژوهش بیان شد می‌توان از روش فریدمن برای بررسی معنادار بودن تفاوت در میانگین متغیرها (موانع توسعه اقتصادی بخش کشاورزی) از نظر صاحب‌نظران استفاده نمود. در واقع در این‌جا آزمون فریدمن به ما کمک می‌کند که اولاً معناداری تفاوت متغیرها مشخص شود و ثانیاً میزان اهمیت متغیرها از دیدگاه نمونه آماری مشخص شود. لذا می‌توان گفت که این روش می‌تواند برای رتبه‌بندی متغیرها به‌کار گرفته شود. همان‌طور که در جدول زیر مشخص شده است مقدار کای‌اسکوئر (۹۴۳.۷۷) در سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۰۱ معنی‌دار است لذا می‌توان گفت که از نظر آماری با اطمینان بسیار بالایی میزان اهمیت متغیرها متفاوت است. این نتیجه دلالت بر رد فرض H0 دارد.

جدول (۴) رتبه‌بندی موانع موجود در توسعه اقتصاد کشاورزی در جهان اسلامی
با استفاده از آزمون فریدمن

رتبه	موانع توسعه اقتصادی در کشاورزی در جهان اسلامی	میانگین رتبه‌ای (Mean Rank)
۱	عقب‌ماندگی صنعتی و فناورانه	۱۰.۷۱
۲	ضعف‌های ساختاری کسب‌وکارهای فعال در حوزه کشاورزی	۹.۷۵
۳	عدم ورود به بازار جهانی	۹.۳۵
۴	همکاری اندک دولت‌های اسلامی در بخش کشاورزی	۹.۱
۵	ضعف در تحقیق و توسعه و بومی‌سازی	۹.۰۳
۶	وضعیت زمین‌های کشاورزی (کیفیت و اندازه)	۸.۶۱
۷	صادرات و واردات محصول	۸.۴۷
۸	رشد جمعیت	۶.۶۳
۹	کمبود صنایع کشاورزی	۶.۲۵
۱۰	مشکلات و خطرهای زیست محیطی	۵.۶۸
۱۱	تغییرات فرهنگی	۵.۶۵
۱۲	وضعیت آب و هوا	۵.۳۵
۱۳	سیطره استعمارگونه شرکت‌های چندملیتی بر بازارهای کشاورزی	۵.۴۶
۱۴	کمبود نیروی انسانی ماهر در بخش کشاورزی	۴.۹۷
Asymp. Sig.= 0.001		df=13
Chi-Square =993.77		

منبع: یافته‌های پژوهش (خروجی آزمون فریدمن در نرم‌افزار spss)

نتایج آزمون فریدمن (با توجه به رتبه‌های هر مولفه) حاکی از آن است که از بین موانع توسعه اقتصادی بخش کشاورزی، عقب‌ماندگی صنعتی و فناورانه، ضعف‌های ساختاری کسب‌وکارهای فعال در حوزه کشاورزی، مشکلات بومی‌سازی و تحقیق و توسعه و عدم ورود به بازار جهانی دارای رتبه بالاتر هستند و کمبود نیروی انسانی ماهر در بخش کشاورزی دارای کمترین تأثیر بر توسعه اقتصادی کشاورزی بوده است. از منظر اقتصاد توسعه نیز، موانع تکنولوژیک یکی از اصلی‌ترین موانع توسعه کشورهای در حال توسعه بوده است (هانت، ۱۳۹۲). در این زمینه ذکر این نکته ضروری است که اساساً فقدان تکنولوژی مناسب و عدم سرمایه‌گذاری برای جذب تکنولوژی موجب شده است مزیت رقابتی بخش کشاورزی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله

کشورهای اسلامی تحت الشعاع قرار گیرد و این کشورها حتی در تولید محصولات کشاورزی نیز نتوانند با رقبای اروپایی خود رقابت کنند (کریمی، ۱۳۸۶). از سوی دیگر مشکلات نهادی این کشورهای نیز یکی از معضلات جدی توسعه این کشورها است (متوسلی و دیگران، ۱۳۹۳) یافته‌های فوق هم مؤید آن است که مسائل ساختاری کسب‌وکارهای فعال در حوزه کشاورزی از عمده‌ترین موانع توسعه بخش کشاورزی کشورهای اسلامی است و بعد از عقب‌ماندگی صنعتی و فناورانه، در جایگاه دوم قرار دارد. اساساً در شرایط فعلی، کسب‌وکارها هم از نظر مقیاس و هم از نظر تنوع به صورت غیربهبینه شکل می‌گیرند و از صرفه‌های ناشی از مقیاس^{۱۳} و صرفه‌های ناشی از تنوع^{۱۴} برخوردار نیستند.

علاوه بر این با توجه به پویایی‌های اقتصاد مدرن و تغییرات سریع تکنولوژی و وجود رقابت جدی، عدم توجه به تحقیق و توسعه موجب عدم توسعه بخش کشاورزی کشورهای اسلامی شده است. چهارمین مانع در توسعه بخش کشاورزی، عدم ورود به بازارهای جهانی و مشکلات جدی بازاریابی است. بازاریابی در سطح بین‌الملل می‌تواند زمینه‌ساز توسعه بخش کشاورزی باشد. سازمان‌دهی تولید در بخش عمده‌ای از کسب‌وکارهای کشاورزی این کشورها، به‌گونه‌ای است که امکان و توان بازاریابی در سطح جهانی را ندارند و لذا بخش عمده‌ای از توان بالقوه صادراتی این کشورها بدون استفاده رها شده است.

جمع‌بندی

ظرفیت‌های بالقوه کشورهای اسلامی در حوزه کشاورزی، به سبب در اختیار داشتن زمین، آب، نیروی انسانی و پیشینه تاریخی، موجب طرح این سؤال شده است که چرا این کشورها در توسعه بخش کشاورزی خود ناکام بوده‌اند. موقعیتی که اکنون جهان اسلام از نظر زمین و نیز جایگاه کشاورزی در اختیار دارد بسیار حائز توجه است؛ کشورهای اسلامی حجم بسیار بزرگی از زمین، آب و جمعیت را در خود جای داده و از امکانات طبیعی، انسانی و تخصص نسبی برخوردارند. در این پژوهش با استفاده از آراء صاحب‌نظران کشورهای اسلامی، موانع توسعه بخش کشاورزی احصا گردید. نتایج

حاصل از تحلیل پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که عقب‌ماندگی صنعتی و فناورانه، ضعف‌های ساختاری کسب‌وکارهای فعال در حوزه کشاورزی، مشکلات بومی‌سازی و تحقیق و توسعه و عدم ورود به بازار جهانی اصلی‌ترین مؤلفه‌های عدم موفقیت کشورهای اسلامی در این حوزه می‌باشد. با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت که کشورهای اسلامی برای توسعه بخش کشاورزی خود می‌بایست بر استفاده از تکنولوژی‌های جدید کشاورزی تمرکز نموده و ضمن این کار برای تغییر وضعیت ساختاری کسب‌وکارهای حوزه کشاورزی خود چاره‌اندیشی کنند.

جهان اسلام به دلیل برخورداری از موقعیت استراتژیک تولید و توزیع کالاهای کشاورزی و با توجه به برآورد کارشناسان اقتصادی، مبنی بر مالکیت نزدیک یک پنجم امکانات جهان و نیز برخورداری از ژئوپلیتیک تجارت بین‌الملل، می‌تواند با توسعه این بخش به یکی از قطب‌های اقتصاد جهان تبدیل شود. از این رو بر مبنای این مطالعه سیاست‌گذاری برای جذب تکنولوژی‌های جدید در حوزه کشاورزی که ضمن افزایش بهره‌وری، دوست‌دار محیط زیست نیز باشند یکی از اقدامات اساسی برای ارتقا جایگاه تولیدات کشاورزی خواهد بود. البته در کنار جذب تکنولوژی، یکی از ملزومات اصلی توسعه بخش کشاورزی، رفع ضعف‌های ساختاری کسب‌وکارها (از جمله معیشتی بودن، عدم برخورداری از صرفه‌های ناشی از مقیاس و تنوع، اپتنا بر روابط کاری درون خانوادگی و عدم توجه به بهره‌وری نیروی کار، عدم تمرکز بر ایجاد شرکت‌های بزرگ کشاورزی و ...) می‌باشد که در نظرگاه صاحب‌نظران کشورهای اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است. از سوی دیگر ضروری است کشورهای اسلامی در حوزه علم و فناوری (و به‌طور خاص تحقیق و توسعه) سیاست‌گذاری لازم را داشته باشند تا بتوانند اولاً ظرفیت‌های تولیدی خود را شناخته و ثانیاً با بومی‌سازی روش‌های تولید مدرن، ضمن استفاده حداکثری از منابع، کمترین آسیب را محیط زیست خود وارد نمایند. در حال حاضر شماری از کشورهای اسلامی توانایی‌های خوبی در تحقیقات کشاورزی دارند که می‌توان آن‌ها را تکامل بخشید. البته این پیشنهاد نیز مطرح شده است که دانشکده‌های کشاورزی در جهان اسلام با یکدیگر تعامل نزدیک‌تری داشته باشند تا تحقیقات، یکدیگر را کامل کنند و توان عملیات توسعه کشاورزی در جهان اسلام را افزایش دهند (عبدالسلام، ۱۹۹۸؛ والی، ۲۰۰۰). عدم تعامل

بخش کشاورزی این کشورها با سایر کشورها (چه کشورهای اسلامی و چه سایر کشورها) موجب شده آن‌ها در گسترش بازار محصولات خود ناکام مانده و در نتیجه نتوانند از فرصت‌های این بازار جذاب استفاده نمایند. از این رو استفاده از سیاست‌های همکاری‌های تجاری دو یا چندجانبه با کشورهای اسلامی و سرمایه‌گذاری برای توسعه صادرات محصولات کشاورزی می‌تواند نقش مهمی در توسعه بخش کشاورزی این کشورها داشته باشد.

به‌عنوان نکته پایانی، برای انجام پژوهش‌های آتی توصیه می‌شود مطالعه جدی در مورد هر یک از موانع شناسایی شده در این مقاله صورت گرفته و راهکار مناسب برای رفع آن‌ها پیشنهاد شود.

یادداشت‌ها

1. Oliverson
2. Eicher & Staatz
3. Galbraith
4. Norton
5. Kuran.
6. Wilson
7. Binswanger, deiningen, feder,
8. Banerjee, gertler, ghatak.
9. Learning by doing
10. Mohamed issam
11. Al-Haboby
12. Friedman Test
13. economies of scale
14. economies of scope

کتابنامه

- ابوالنصر، عادل (۱۹۶۰م). تاریخ الزراعة القديمة، مصر: دار هجر.
- بابلی، محمود محمد (۱۹۷۵م). السوق الاسلامیة المشتركة، بیروت: دارالکتب اللبنانی.
- الخفاجی، عبدالمحسن (۱۴۲۱ق). آفاق التنمية الزراعية في العالم العربي، المطبوع في كتاب مقالات ابحت المؤتمر الدولي اقتصاديات الزراعة في العالم الاسلامي، قاهره: مركز صالح عبدالله كامل، جامعة الازهر و كلية الزراعة.
- پیشوائی، مهدی (۱۳۸۸). ظرفیت‌های کشاورزی کشورهای اسلامی، مجله مکتب اسلام، شماره ۲ (سال ۷۷).
- دسوقی کسبه، أ. مصطفي (۲۰۰۰). الزراعة في العالم الاسلامي و مستقبل التنمية الزراعية، في كتاب ابحد

- المؤتمر الدولي اقتصاديات الزراعة في العالم الاسلامي، قاهره، مركز صالح عبدالله كامل للاقتصاد الاسلامي، جامعة الازهر، وكلية الزراعة، القاهره ۱۷-۲۰ من محرم الحرام ۱۴۲۱ هـ. / ۲۷-۲۵ آوريل ۲۰۰۰ م.
- دادرس مقدم امير، زيباي منصور (۱۳۸۷). نرخ رشد بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، دوره ۱۶، شماره ۶۴: ۱-۱۸.
- رضاي اعظم چيدری اميرحسين و مرتضوی سيدابوالقاسم (۱۳۸۹). بررسی ظرفيت‌های صادراتی محصولات کشاورزی ایران به کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۱-۲ شماره ۴: ۴۵۵-۴۶۵.
- شمساي، محمد حسين (۱۳۸۰). سرمایه‌گذاری در نگرش اسلامی، در کتاب پديده‌شناسی فقر و توسعه، ج ۳، ص ۲۵۹، قم: بوستان کتاب.
- عبدالسلام، محمداالسيد (۱۹۹۸). الامن الغذائي للوطن العربي، الكويت، مجله عالم المعرفة، العدد ۲۳۰، فبراير ۱۹۹۸.
- عبدالفتاح، محمود منصور (۱۴۲۱). اقتصاديات الزراعة في العالم الاسلامي في كتاب ابحات المؤتمر الدولي اقتصاديات الزراعة في العالم الاسلامي، ج ۱، القاهره.
- عبداللطيف، خالد (۱۹۸۵). البيئة والتلوث من منظور الاسلام، بيروت: دارالصحوة للنشر.
- عبدالوهاب، نجوان سعدالدين (۲۰۰۰). تطور استخدام الموارد الارضية الزراعية للدول العربي، قاهره: دانشگاه الازهر و مركز تحقیقات اقتصاد اسلامی صالح عبدالله كامل.
- العقلاء، محمد بن علی (۲۰۰۰). السوق الإسلامية المشتركة، اسكندرية: مؤسسة شباب الجامعة.
- قدری مختار، احمد و محمد بهلول (۲۰۰۰). التجارة الزراعية البيئية لمجموعة الدول الثماني الإسلامية، المطبوع في كتاب ابحات المؤتمر الدولي: اقتصاديات الزراعة في العالم الاسلامي، القاهره: ۱۷-۲۰ من المحرم ۱۴۲۱ هـ. ۲۲-۲۵ من اوريل ۲۰۰۰ م نصر: مركز صالح عبدالله كامل للاقتصاد الاسلامي، جامعة الازهر.
- كشاورز عباس (۱۳۹۱). دهقانی سانج حسين، شاخص بهره‌وری آب و راهکار آتیه کشاورزی کشور، مجله راهبرد اقتصادي، تابستان ۱۳۹۱، دوره ۱، شماره ۱: ۱۹۹-۲۳۳.
- کريمی هسنيجه، حسين (۱۳۸۶). پتانسيل تجاری محصولات کشاورزی، مورد ایران و کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، مجله اقتصاد کشاورزی، دوره ۱، شماره ۲.
- کلاتتری خليل، رهنما عبدی، موحدمحمدي حميد (۱۳۸۹). عوامل پیش برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان خراسان شمالی، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، دوره ۱۸، شماره ۷۰: ۱۹-۳۷.
- مرواريد، علی اصغر (۱۴۱۰). سلسله الينابيع الفقهيّة، ج ۱۳، كتاب المتاجر، بيروت: دارالتراث و دارالاسلامية.

- (۲۰۰۰). مفاهیم زراعیة حديثة، المطبوع في كتاب ابحات المؤتمر الدولي: اقتصاديات الزراعة في العالم الاسلامي، القاهرة: ۱۷-۲۰ من المحرم ۱۴۲۱ هـ. ۲۲-۲۵ من آوريل ۲۰۰۰ م نصر: مركز صالح عبدالله كامل للاقتصاد الاسلامي، جامعة الازهر.
- (۲۰۰۰ م / ۱۳۷۹ ش). ابحات المؤتمر الدولي: اقتصاديات الزراعة في العالم الاسلامي، القاهرة: ۱۷-۲۰ من المحرم ۱۴۲۱ هـ. ۲۲-۲۵ من اوريل ۲۰۰۰ م نصر: مركز صالح عبدالله كامل للاقتصاد الاسلامي، جامعة الازهر.
- متوسلى، محمود، سميعى نسب، مصطفى، نيكونستى، على (۱۳۹۳). نهادها و توسعه، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- مقدسى رضا، عليشاهى مژگان (۱۳۸۶). مطالعه عوامل مؤثر بر سهم ايران در بازار جهانى محصولات كشاورزى (مطالعه موردى پسته و كشمش)، مجله علوم كشاورزى، دوره ۱۳، شماره ۱: ۲۱-۳۷.
- منفيخي، محمد فريز (۲۰۰۹). النظام الاقتصادي اسلامي، بيروت: دار بيروت المحروسة.
- منيمنة، سارة و محمد الاسكندراني (۲۰۱۰). في جغرافيا العالم الاسلامي، بيروت: دار بيروت المحروسة.
- نعيمة امير، پزشكى راد غلامرضا، قرهباغى بهزاد (۱۳۹۰). واكاورى مشكلات توسعه فناورى زيستى كشاورزى از ديدگاه متخصصان فناورى زيستى استان تهران، مجله تحقيقات اقتصاد و توسعه كشاورزى ايران، دوره ۲-۴۲، شماره ۱: ۴۵-۵۶.
- نورى توپكانلو، زهرا (۱۳۸۶). جهانى شدن و اثرات آن بر اقتصاد كشاورزى ايران: مطالعه موردى زيره سبز، مجله بومشناسى گياهان زراعى (دانش نوين كشاورزى)، دوره ۳، شماره ۶: ۹۳-۱۰۱.
- نورى، محمد امير (۱۳۸۰). راههاى توسعه كشاورزى، در مجموعه مقالات پديدهشناسى فقر و توسعه، ج ۴، قم، بوستان كتاب.
- والي، ماهر امين (۲۰۰۰). اقتصاديات الزراعة في العالم الاسلامي، القاهرة: ابحات المؤتمر الدولي، اقتصاديات الزراعة في العالم الاسلامي ج ۱.
- هانت، دايانا (۱۳۹۲). نظريههاى اقتصادى توسعه تحليلى از پاراداييمهاى رقيب، مترجم: غلامرضا آزاد (ارمكى)، چاپ چهارم، تهران: نشر نى.
- Al-Haboby, A., Breisinger, C., Debowicz, D., El-Hakim, A. H., Ferguson, J., van Rheenen, T., Telleria, R. (2014). *Agriculture for development in Iraaq? Estimating the impacts of achieving the agricultural targets of the national development plan 2013 2017 on economic growth, incomes, and gender equality* (Vol. 1349). Intl Food Policy Res Inst.
- Banerjee Abhaijit v., paul J. gertler. ghatak m. (2002). empoverment and efficiency: tenancy reform in west Bengal, *journal of political economy*, no. 2.: 239-280.
- Binswanger, Hans, Deininger K., Feder G. (1993). agricultural land relations in the developing world, *American journal of agricultural economics*, no. 5, :1242-1248.
- Datta, P. K. (2014). *Agricultural sustainability and economic development: a cross-country analysis*. Merit Res. J. Agric. Sci. Soil Sci, 2, 7-23.

- Eicher, C. K., Staatz, J. M. (1990). *Agricultural development in the Third World* (No. Ed. 2). Johns Hopkins University Press.
- Mohamed, Issam AW. (2012). *Utilization of Structural Equations on the Assessment of the Role of the Agricultural Bank in Economic Development in Sudan*. Available at SSRN 2056400.
- Mollett JA (1986). The state of food and agriculture in Islamic countries, *Food Policy*, 11(4):278-84.
- Norton, G. W., Alwang, J., Masters, W. A. (2014). *Economics of agricultural development: world food systems and resource use*. Routledge.
- Timur, Kuran (2005). The Logic of financial westernization in the middle east *journal of economic behavior and organization*, no. 4: 593-615.
- Wilson, R. (2012). *Economic development in the Middle East*. Routledge.

